

بسم الله الرحمن الرحيم

پشت پرده لغو وضعیت اضطراری کشمیر توسط هند

(ترجمه)

پرسش

«قصر سفید با نشر بیانیه‌ای اعلان نمود که ترامپ رئیس جمهور امریکا روز جمعه در تماسی تلفونی به عمران خان نخست وزیر پاکستان گفت: بسیار مهم است که هند و پاکستان برای کاستن از شدت تنش‌ها در جامو و کشمیر از طریق گفتگوی دوجانبه تلاش نمایند.» (منبع: رویترز ۱۷ اگست ۲۰۱۹م) ترامپ درحالی این سخنان را مطرح می‌کند که مودی به ملحق نمودن کشمیر به خاک هند به گونه رسمی افتخار می‌کند و دیگر میان هند و پاکستان بر سر آن نزاعی وجود ندارد. «مودی نخست وزیر هند در اظهاراتی به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۱۹م به مناسبت جشن استقلال هند گفت: «حکومت من کاری را انجام داد که تمام حکومت‌های هند قبل از من در آن ناکام شده بودند.» (منبع: شرق اوسط ۱۶ اگست ۲۰۱۹م) پرسش این است که چنین گفتگویی که ترامپ مطرح نموده اینک پس از آن که هند رسماً کشمیر را به خود ملحق نموده چه فائده‌ای دارد؟ و این که چرا پاکستان برای آزادسازی کشمیر از طریق جهاد اقدام نکرد؛ در حالی که توان چنین کاری را توسط اردو/سپاه خویش دارد؟ و آیا امریکا در این قضیه نقشی دارد؟ و جزاکم الله خیرا!

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

۱- منطقه اوراسیا برای طراحان سیاست خارجه امریکا نسبت به تمام سایر مناطق جهان از اهمیت بیشتری برخوردار است و امریکا با تمام توان تلاش می‌کند نگذارد هیچ رقیبی برایش در این منطقه سر بلند کند. امریکا در اوراسیا چهار رقیب احتمالی دارد: روسیه، چین، آلمان و خلافت.

امریکا در حال حاضر چین را رقیب عملی خود می‌داند، زیرا حاملین سیاست امریکا پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، چین را بزرگ‌ترین تهدید برای منافع امریکا بر می‌شمارند. چنانچه امریکا عملاً از دولت‌های مختلف آسیا و سواحل بحر آرام برای تخریب تلاش‌های چین به صفت یک نیروی بحری استفاده نموده و شبه قاره هند را موظف کرده با روند رو به رشد چین به عنوان قدرتی برتر در اوراسیا مقابله نماید.

امریکا در حالی که توانائی‌های خود را در منطقه آسیا و بحر آرام با ایجاد ائتلاف‌های گوناگون با تایوان، تایلند، ویتنام، فلیپین، جاپان/ژاپن، اندونیزیا و استرالیا، استحکام می‌بخشید، هیچ گونه ائتلاف بزرگی در شبه قاره هند، به ویژه با هند، ایجاد نکرد، تا این که واجبایی در اواخر دهه نهم به قدرت رسید و با سفر کلنتن ریئس جمهور وقت امریکا در سال ۲۰۰۰ به هند، استفاده امریکا از هند به اوج خود رسید. پس از مدت کوتاهی از حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، اداره حکومت بوش بالای دولت هندو تمرکز نمود و

میزان زیادی از اقدامات امریکا روی پر کردن خالیگاه نظامی میان دولت هندو و چین متمرکز بود، از جمله می‌توان به توافق هسته‌ای میان امریکا و چین اشاره نمود.

۲- امریکا متوجه شد که تنش‌ها میان هند و پاکستان در مورد قضیه کشمیر، بالای روند رویارویی شبه قاره هند با چین تأثیر منفی داشته و این رویارویی را تضعیف می‌کند، برای پایان دادن به این تنش‌ها، تلاش‌هایی را در جهت عادی‌سازی روابط هند و پاکستان روی دست گرفت و هدف از این عادی‌سازی روابط؛ منصرف نمودن نیروهای هندو و پاکستان از جنگ و جدال در میان خود بر سر قضیه کشمیر و جهت دادن این تلاش‌ها برای همکاری با امریکا و نهایتاً کاستن از صعود و رشد چین بوده است. امریکا گمان می‌کرد ملحق نمودن کشمیر به دولت هندو و اعمال فشار بالای نظام حاکم در پاکستان تا از فعالیت نظامی برای برگرداندن آن منصرف شود و به گفتگو اکتفاء کند، گمان می‌کرد این کار قضیه را به فراموشی سپرده و مانع کشمکش‌های نظامی میان دو طرف خواهد شد، درست مانند قضیه فلسطین که حکومت عباس با دولت‌های عربی ماحول خود دارد؛ هیچ‌گونه کشمکش نظامی با دولت یهود ندارند، در حالی که یهودیان به اشغال خویش ادامه داده و هرکجایی از فلسطین را که بخواهند به خود ملحق می‌کنند! مودی نیز به این ترتیب نقشه ملحق کردن جامو و کشمیر به خاک هندو و تغییر ساکنین آن را آغاز نمود، چنان‌چه به تاریخ ۵ اگست ۲۰۱۹م مودی ماده ۳۷۰ قانون مربوط به کشمیر را ملغاً اعلان نمود. بر اساس این ماده؛ اقلیم کشمیر تا حدود زیادی حق خود مختاری داشتند، طوری که کشمیر حق داشت قانون اساسی خاص خود را داشته باشد، بیرق/پرچم ویژه خود و در بسیاری از امور مستقل باشد، بجز امور خارجی، دفاعی و مخابراتی. تصمیم لغو قانون مذکور زیر نام قانون "تنظیم مجدد" منتشر گردید که کشمیر اشغالی را به دو منطقه تقسیم می‌کند: منطقه جامو و کشمیر و منطقه لاداخ که اداره هر دو منطقه با حکومت اتحادی در دهلی نو مرتبط باشد. اتاق اعلائی پارلمان دولت هندو موسوم به "شورای ایالات" یک روز بعد یعنی ۶ اگست ۲۰۱۹م با ۱۲۵ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف، قانون یاد شده و ماده ۳۵ قانون مذکور را لغو نمود، ماده‌ای که به غیر کشمیریان اجازه نمی‌داد در کشمیر زمین خریداری نمایند. به این ترتیب سایر هندوها از سایر ایالات فرصت خواهند داشت به کشمیر روی آورده و اقدام به خرید زمین نمایند و همچنین درخواست کار حکومتی در این منطقه دولت هندو که رفته رفته زمینه تغییر ساکنین و فرهنگ این منطقه‌ای اغلب مسلمان‌نشین را فراهم می‌کند، درست شبیه آنچه دولت یهود برای ملحق نمودن خاک فلسطین به خود انجام می‌دهد! بناءً همان‌گونه که نتانیاهو با موافقت و چراغ سبز امریکا اقدام به آن اشغال‌گری‌ها می‌کند، مودی نیز با موافقت و چراغ سبز امریکا چنین می‌کند، یعنی این که مودی دارد روش نتانیاهو در فلسطین را با موافقت و حمایت امریکا نسخه‌برداری می‌کند.

۳- پس از آن که دولت هندو اخیراً وضعیت خاص را در کشمیر لغو نمود، واکنش پاکستان در برابر آن ذلیلانه بود و از حد تقبیح، آن هم برای حفظ آبرویش، فراتر نرفت، چنان‌چه وزارت خارجه پاکستان با نشر بیانیه‌ای گفت: «پاکستان این اقدام را به شدت تقبیح نموده و اعلانیه منشتر شده به تاریخ ۵ اگست ۲۰۱۹م از دهلی نو را رد می‌کند. حکومت هندو نمی‌تواند دست به هیچ‌گونه اقدام یک جانبه زده و اوضاع را مطابق میل خود تغییر دهد. پاکستان به صفت بخشی از این نزاع بین المللی با تمام توان در برابر این اقدامات غیر قانونی قرار خواهد گرفت.» (منبع: اف ب ۵ اگست ۲۰۱۹م) قاضی خلیل الله سفیر پاکستان در مسکو در زمینه گفت: «مسئولین حکومت پاکستان در حال حاضر روی آماده نمودن واکنش‌های دیپلماتیک، سیاسی و قانونی در برابر اقدامات اخیر هند در کشمیر تمرکز نموده اند. کمیته ویژه‌ای که در این زمینه تشکیل گردیده به زودی پیشنهادهایی را در این مورد

به حکومت پیشنهاد خواهد نمود.» این موقف‌گیری پاکستان کاملاً به موقف‌گیری حکومت محمود عباس و دولت‌های عربی ماحول آن شباهت دارد؛ طوری که آنان نیز در برابر اشغال‌گری‌های دولت یهود و اهانت‌های شان به سرزمین مقدس فلسطین، "تقیح می‌کنند و اعتراض"، درحالی که باید لشکریان خویش را برای مبارزه به حرکت در آورند! پاکستان نیز دقیقاً همین نقش را بازی می‌کند در حالی که باید اردو/سپاه پاکستان را به حرکت می‌آورد! بدتر از همه این که برای حل قضایای خویش، پیش سازمان ملل و امریکا شکایت می‌برند، در حالی که دشمن اصلی خود آنان اند و باید از آنان برحذر باشند!

۴- تویتهای عمران خان نخست‌وزیر پاکستان به تاریخ ۱۱ اگست ۲۰۱۹م، موقف پاکستان در برابر اقدام اخیر دولت هندو را روشن‌تر می‌کند؛ وی گفت که این گام هند منجر به "ریشه کن کردن مسلمانان در هند شده و با تلاش‌هایی که در راستای تغییر وضعیت ساکنین کشمیر از طریق پاکسازی نژادی جریان دارد، در آینده پاکستان را نیز هدف قرار خواهد داد". وی در ادامه از به اصطلاح "جامعه جهانی" خواست در این زمینه مداخله نماید، زیرا توان این را دارد که مانع هند قرار گیرد. در حالی که پاکستان خود توان قرار گرفتن در برابر دولت هندو را دارد. توانایی پاکستان امر واضح و روشنی است؛ چنانچه دولت هندو به تاریخ ۲۶ فبروری ۲۰۱۹م اعلان نمود که در واکنش به عملیاتی که شماری از گروه‌های کشمیری علیه اردوی هندو داشتند و در نتیجه آن ۴۱ سرباز هندو را به تاریخ ۱۴ فبروری ۲۰۱۹م به قتل رسانیدند؛ دولت هندو حملات هوایی را بالای پایگاه‌های نظامی این گروه‌ها انجام داده و شمار زیادی از آنان را در پایگاه‌های یادشده به قتل رسانیده است. پاکستان یک روز پس از حملات هوایی دولت هندو اعلان نمود که دو طیاره/هواپیمای جنگی هند را سقوط داده، یک پیلوت/خلبان آن را اسیر و دو تن دیگر را کشته است. این خود بیانگر توانایی اردو/لشکر پاکستان در برابر دولت هندو و شکست دادن آن است، اما واقعیت این است که حکومت پاکستان در برداشتن گام‌های لازم برای قرار گرفتن در برابر هندو جدی نیست، بلکه به اوامر امریکا گوش می‌دهد، چنانچه همین امریکا بود که به پاکستان دستور داد حادثه سقوط دو طیاره/هواپیمای نظامی را برجسته نکند؛ در خبرها گفته شد: «پومپئو وزیر خارجه امریکا در تماس تلفونی با هم‌تایان هندی و پاکستانی‌اش در پیوند به حمله اخیر هند بالای پایگاه گروه جیش محمد، دو طرف را به خویشتن داری و دوری از هرگونه اقدامی که خطر را افزایش بیشتر داده و برجسته نماید، توصیه نمود. این مقام امریکائی حتی در کنار هند قرار گرفته و از آن جانب‌داری نمود؛ آنگاه که گفت: "حملات هوایی هند، اقدامی برای مبارزه با ترورزم بوده" سپس از پاکستان خواست به گونه جدی در برابر گروه‌های ترورستی که در خاک آن فعالیت دارند، قرار گیرد.» (منبع: اف ب رویترز ۲۸ فبروری ۲۰۱۹م)

این اظهارات به خوبی نشان دهد که امریکا تا چه حد از هند جانبداری نموده و در کنار آن قرار دارد و اقدامات آن را تأیید می‌کند! درست موقفی که در قضیه فلسطین می‌گیرد؛ چنانچه همواره از رژیم یهود جانبداری نموده و این رژیم را در هر اقدامی که علیه مسلمانان این سرزمین انجام می‌دهد، تأیید می‌کند، مسلمانانی که از سرزمین خود دفاع نموده و سعی دارند آن را از چنگال اشغال‌گران آزاد نمایند! اما با آن هم هنوز پاکستان مانند حکومت عباس و سایر نظام‌های عربی دست از عادت بد خویش بر نداشته و به امریکا پناه می‌برد و انتظار دارد امریکا مداخله نموده و مشکل‌اش را حل و فصل نماید، در حالی که می‌داند امریکا همیشه از دولت هندو طرف‌داری نموده، چنانچه مجید خان سفیر پاکستان در واشتنن به تاریخ ۲۷ فبروری ۲۰۱۹م در اظهاراتی گفت: «از بیانیه وزیر خارجه امریکا چنین بر می‌آید که موقف هند را تأیید می‌کند و همین بیانیه بود که هندی‌ها را بیشتر تشویق نمود.» وی افزود: «شاید کشور دیگری مناسب‌تر از ایالات متحده وجود نداشته باشد که در حل این بحران نقشی بازی کند.» (منبع: اف ب ۲۸

فبروری ۲۰۱۹م) یعنی با وجود این که وی اعتراف می کند بیانیه وزارت خارجه آمریکا موقوف هند را تأیید نموده، بازهم به این باور است که تنها آمریکا اهلیت و توانائی بازی کردن نقش مناسبی برای حل بحران دارد! نقشی که معمولاً آمریکا از آن در سرگرم نمودن طرفها در شورای امنیت و سازمان ملل به کار می گیرد و این همان چیزی بود که حکومت پاکستان انجام داد، طوری که اعلان کرد نمی خواهد تنش ها با هند را افزایش دهد و این که به زودی اعتراض رسمی خویش را علیه دهلی نو به سازمان ملل پیشکش خواهد نمود، چیزی نه بیشتر و نه کمتر. بلکه حتی اعلان نمود که به زودی پیلوت/خلبان قاتل هندو را به هند خواهد سپرد و عملاً این کار را کرد و به گمان خود وی را به عنوان پیشگامی در صلح، به هند تسلیم داد. به همین ترتیب؛ در مرحله بعدی تنش ها و زمانی که دولت هندو کشمیر را به خود ملحق نمود، پاکستان خواستار «برگزاری نشست ویژه شورای امنیت سازمان ملل در خصوص وضعیت اقلیم کشمیر پشت دروازه های بسته شد. ملیحه لودهی نماینده پاکستان در سازمان ملل از تصمیم شورای امنیت برای بررسی قضیه کشمیر در یک جلسه ویژه استقبال نمود و گفت که قضیه کشمیر رفته رفته قضیه جهانی می شود و این که قضیه مذکور آماده است تا از طریق گفتگو با هند حل و فصل گردد.» (منبع: ۱۶ اگست ۲۰۱۹م)

۵- چنین موقف گیری بیانگر این است که نظام حاکم در پاکستان برای جلوگیری از دولت هندو هرگز گام های نظامی بر نخواهد داشت و هرگز مجدانه علیه آن کاری انجام نخواهد داد، که خود باعث خواهد شد هند در تصمیم خویش مبنی بر رفع وضعیت خاص در کشمیر و تداوم اشغال آن مصمم تر شود. ضمناً لازم به یادآوری است؛ در سفری که عمران خان به تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۱۹م همراه با جاوید باجوآ فرمانده اردوی پاکستان و فایز حمید مدیر کل دستگاه استخبارات و امنیت داخلی به آمریکا داشت، در جریان دیدارش با ترامپ، ترامپ از وی خواست در افغانستان برای آمریکا نقشی را بازی کند؛ آنجا که گفت: «امیدوارم پاکستان در راستای رسیدن به حل و فصل سیاسی بحران ۱۸ ساله افغانستان همکاری و میانجی گری کند.» عمران خان بی درنگ صدایش را بلند نموده و در پاسخ به او امر ترامپ گفت: «به زودی با طالبان دیدار نموده و تمام توانم را به کار خواهیم گرفت تا آنان را قناعت دهم با حکومت افغانستان وارد گفتگو شوند.» سپس با افتخار از خیانت هایی که حکومت پاکستان مرتکب شده و خدماتی که به آمریکا انجام داده یاد نمود؛ «این استخبارات پاکستان بود که به امریکائیان معلوماتی داد که منجر به تشخیص مکان اسامه بن لادن گردید.» (منبع: رویترز ۲۲ جولای ۲۰۱۹م)

عمران خان و نظام پاکستان در حالی به آمریکا چنین خوش خدمتی می کنند که آمریکا از دولت هندو علیه پاکستان حمایت می کند! چنانچه زمانی که دولت هندو وضعیت خاص را در کشمیر رفع نمود، وزارت خارجه آمریکا با صدور بیانیه ای چنین گفت: «ما از گفتگوهای مستقیم میان هند و پاکستان در مورد کشمیر و سایر قضایای حساس میان دو طرف پشتیبانی می کنیم.» (منبع: رویترز ۷ اگست ۲۰۱۹م) پس آمریکا این اقدام هند را تقبیح نکرد و نگفت که با فیصله های جامعه جهانی در مورد کشمیر مغایرت دارد، بلکه خواستار گفتگو شد و با این کار به عمران خان و نظام وی اهانت نمود، زیرا در مورد چه باید گفتگو نمود در حالی که دولت هندو اعلان نموده که کشمیر را رسماً به خاک خود ملحق کرده است؟! شکی نیست که این موقف گیری آمریکا بیانگر موافقت آن با اقدام هند است، بلکه حتی بیانگر این است که آمریکا پیشاپیش در جریان این تصمیم هند بوده، زیرا ممکن نیست هند دست به چنین اقدامی بزند بدون این که با آمریکا مشورت نموده و چراغ سبز آن را دریافت نماید.

۶- در یکی از کتاب های ما زیر عنوان "قضایای سیاسی سرزمین های اشغالی مسلمانان" که به تاریخ ۲۱ می ۲۰۰۴م در ارتباط به قضیه کشمیر منتشر گردید، چنین گفته شده: «بنابر این، اینک که هر دو دولت؛ هندو و پاکستان زیر نفوذ آمریکا قرار

گرفته، امریکا با جدیت تمام سعی دارد در مورد کشمیر میان دو طرف تفاهم ایجاد کند. امریکا در مورد دیدگاه اساسی خویش برای حل قضیه کشمیر تجدید نظر نموده؛ طوری که ابتداء می‌خواست آن را قضیه جهانی مطرح نماید، اما اینک دو طرف را تشویق می‌کند میان خود و دو جانبه آن را حل و فصل کنند. دیدگاه امریکا اینک شامل تقسیم کشمیر می‌شود، طوری که کشمیر آزاد شده از پاکستان و کشمیری که زیر سلطه هند است از دولت هندو باشد.» آنچه در حال حاضر اتفاق می‌افتد، موافق با اموری است که در کتاب ما پیشبینی شده بود، چنانچه دولت هندو این گام اخیر را برداشت و در واقعیت جدید فرصتی یافته که قضیه اشغال کشمیر توسط دولت هندو را نهادینه‌تر می‌کند.

۷- چین با این گام هند مخالفت نشان داد، تصمیم لغو ماده ۳۷۰ زیر نام قانون "تنظیم مجدد" منتشر گردید و بر اساس آن، کشمیر به دو منطقه تقسیم شد: منطقه جامو و کشمیر و منطقه لاداخ، اداره هر دو منطقه مربوط به حکومت اتحادی دهلی نو می‌باشد. از آن جایی که منطقه لاداخ کشمیر در جوار منطقه تبت نزدیک به چین موقعیت دارد و هند پیش از قانون جدیدش با چین مشورت نمود، هواتچون ینگ سخنگوی وزارت خارجه چین در واکنش به این اقدام گفت: «طرف هند در این اواخر با تغییر دادن قوانین داخلی مربوط به مرزهای خویش، سیاست منطقه‌ای چین را نادیده گرفته و در مورد آن به پکن مراجعه و مشورت نکرده است. باید گفت که چین به هیچ وجه این اقدامات را نمی‌پذیرد. این اظهارات آقای ینگ در واکنش به تصمیم دهلی نو در مورد این مطرح گردید که منطق لاداخ را اقلیم یک پارچه‌ای اعلان نمود که مساحت آن شامل بخش غربی مرزچین و هند می‌شود. این مسوول چینی تأکید نمود که چین پیوسته با اقدامات هند به هدف پیوند دادن خاک چین به خودش در مرزهای غربی و به بهانه حاکمیت اداری هند، مخالفت نموده است.» (منبع: البیان ۸ اگست ۲۰۱۹م)

۸- گفته‌های فوق را به چند مورد خلاصه می‌کنیم:

الف) ملغا کردن ماده ۳۷۰ و سپس اقدامات مودی برای ملحق نمودن کشمیر به خاک هند، که هنوز جریان دارد، با چراغ سبز امریکا و پشتیبانی آن صورت می‌گیرد. امریکا گمان می‌کند با این کار، کشمیر را از یاد مسلمانان خواهد برد و مشکلات میان هند و پاکستان حل و فصل خواهد گردید؛ به این اعتبار که نظام حاکم در هر دو سرزمین در حال حاضر مزدور و وابسته به امریکا می‌باشند، اما امریکا و دولت هندو فراموش نموده و یا خود را به فراموشی زده اند که کشمیر همواره در قلب مسلمانان پاکستان و سراسر جهان جای دارد و قضیه آن بسان قضیه هر بخش دیگری از سرزمین‌های اشغال شده اسلامی است.

ب) موافقت نظام حاکم در پاکستان و یا سکوت آن در برابر ملحق نمودن کشمیر به دولت هندو به هیچ‌وجه به معنای سکوت مسلمانان پاکستان و اردو/لشکر آن نیست. هند با ضرب شصت این سپاه آشناست، چنانچه از سقوط دادن دو فروند طیاره/جنگنده هند زمان زیادی نمی‌گذرد. اردوی پاکستان چنین ضرب شصتی‌هایی دارد، اما عمران خان مانع هجوم آن برای آزادسازی کشمیر می‌شود و تنها به آن‌ها اجازه می‌دهد از خود دفاع کنند، آن هم در محدودیت‌هایی که اعمال می‌کند! حالا تصور کنید اگر به این اردو اجازه داده شود و برای جنگیدن فراخوان عمومی دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بدون شک دشمن هلاکت خویش را به وضوح خواهد دید!

ج) چین با این گام دولت هندو مخالفت نشان داد و با صدور بیانیه‌ای توسط وزارت خارجه اش گفت: «این تصمیم هند یک جانبه بوده و بالای رهبری منطقه‌ای چین پیامد منفی خواهد داشت و توافقات بین المللی را نقض می‌کند. پکن هرگز با این تصمیم یک

جانبه هند در مورد تغییر دادن وضعیت قانونی اقلیم کشمیر موافق نبوده و این تصمیم غیر قابل قبول است.» (منبع: اناضول ۶ آگست ۲۰۱۹م) چین پی برده که این کار موقف هند را در منطقه تقویت خواهد نمود و از هند رقیبی برای چین خواهد ساخت که تبدیل به قدرتی منطقه‌ای موازی با چین شود و این دقیقاً همان هدفی است که امریکا برای رویارویی با قدرت منطقه‌ای چین دنبال می‌کند، به ویژه که منطقه لاداخ اقلیم کشمیر در همجواری منطقه تبت نزدیک چین موقعیت دارد. هرچند نفوس/ساکنین لاداخ اندک و در حدود "۲۷۰ هزار تن" است، اما حل و فصل نمودن قضیه کشمیر به این شکل و تعرض به منطقه لاداخ در مرز میان چین و هند، آن هم بدون مشورت با چین، باعث بالا گرفتن انتقادهای چین گردیده است. اگر چین بتواند گام‌های خویش را استحکام بخشیده و درک سیاسی‌اش برای استفاده از قضیه لاداخ به نفع خود را رشد دهد، امکان این وجود دارد که نقشه‌های امریکا نقش بر آب شود؛ یعنی به جای این که لاداخ، پایگاه عملیاتی و خط اول نیروهای امریکا در برابر چین شود، ممکن است تبدیل به پرتگاهی برای نیروهای آن شود که نتوانند از آن بیرون آیند!

۹- در اخیر باید گفت مصیبت بزرگی که دامن‌گیر ما مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی شده، همانا حکام خائن ماست؛ ما برای پس گرفتن حقوق خویش به گونه شرافت‌مندانه و درس عبرت دادن به دشمنان مان، که تا قبر آن را فراموش نکنند، اساسات قدرت و توانائی‌های لازم را داریم، بلکه حتی بیشتر از حد لازم، اما مشکل اینجاست: حکام ما که پیوسته با الله، رسول الله و مؤمنین خیانت می‌کنند، پیش از آن که برای الله متعال و پروردگار جهانیان سجده کننده، به باداران کافر و استعمارگر شان سجده می‌کنند و اردوها/لشکرهای مسلمانان را از جنگیدن با دشمنان شان و آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده خویش ممانعت می‌کنند تا در برابر این خوش‌خدمتی‌های خویش برای کفار استعمارگر، به سالون‌ها و اتاق‌های سازمان ملل و شورای امنیت رفته و پس مانده‌های آنان را ذلیلانه به دست آورند و به آن دل خوش کنند! اما با وجود این همه مصیبت، درد و رنج، مطمئن استیم که تمام سرزمین‌های اشغال شده مسلمانان، از فلسطین تا کشمیر، از بورما تا ترکستان شرقی، از قفقاز تا چین و ما حول آن و جزیره کریمیه و هر قطعه‌ای از زمین که در آن ندای الله اکبر سر داده شده و دشمنان اسلام آن را به اشغال خود در آورده اند، همه و همه به خواست و اراده الله سبحانه و تعالی مجدداً به دار اسلام برخواهد گشت و یک بار دیگر پرچم اسلام عزیز بر فراز آن به اهتزاز درخواهد آمد. این کار را امام مسلمانان، که سپر آنان است، انجام خواهد داد. این کار را خلیفه راشد انجام خواهد داد. این کار را اردو/لشکر مجاهد اسلام انجام خواهد داد. پس هرکی در دنیا دنبال عزت و سربلندی و در آخرت دنبال جنت فردوس است، آستین همت بر زده و در صف کسانی قرار گیرد که شبانه روز برای برپائی خلافت سعی و تلاش دارند و این کار در خون، قلب و تمام اعضای بدن شان در جریان است و مخلصانه و صادقانه در راستای آن تلاش خسته‌گی ناپذیر به خرج می‌دهند.

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾

ترجمه: راستی که این همان کامیابی بزرگ است. برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند!

هفدهم ذی الحجه ۱۴۴۰ ه.ق

برابر با ۱۸ آگست ۲۰۱۹ م

مترجم: عبدالله دانشجو